

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهارادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۶

تحلیل آسیب‌های روانی در گلستان و بوستان سعدی

(ص ۳۰۳-۳۱۹)

عبدالله قلیان عسکری^۲، غلامرضا مستعلی پارسا (نویسنده مسئول)^۳

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۹۶

چکیده

انعکاس علم روان‌شناسی در آثار ادبی و انطباق آن با تئوریهای نوین روان‌شناسی یکی مباحث میان‌رشته‌ای است. در این مقاله به برخی از آسیب‌های روانی موجود در گلستان و بوستان سعدی با نظر به علم روان‌شناسی امروز پرداخته شده است. هدف از پرداختن به موضوع مقاله این است که با مراجعه به متون ادبی، برخی از مشکلات روانی و اخلاقی رایج در جامعه بررسی گردد. به نظر می‌رسد که سعدی سعی دارد تا در قالب حکایات برای بهبود روابط و رفتارهای انسانی، راهکارهایی را ارائه کند. این پژوهش نشان می‌دهد که سعدی از مهارت‌های روان‌شناسی آگاهی داشته و آنها را با تصویرپردازی عاطفی به مخاطب خود ارائه کرده است، و برخی از این نظریات با نظریه‌ها و مهارت‌های ارائه شده از جانب روان‌شناسان عصر حاضر مطابقت دارد.

کلمات کلیدی: گلستان، بوستان، سعدی، آسیب‌های روانی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی (abdolah.gholianaskari@gmail.com)

۳- دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی (mastali.parsa@gmail.com)

Analyzing the psychological traumas in Saadi's the Gulistan and Bustan

Abd-allah Gholiyan askari^۱, Gholam reza Mostali parsaa^۲

Abstract:

One of the interdisciplinary discussions and writing scientific articles about them, is reflection of the science of psychology in the literary works and matching it with the modern theories of psychology. In this thesis, psychological traumas has been investigated with regard to the Gulistan and Bustan – Saadi and had been matched with the modern science of psychology. Our purpose was related to Investigating some of the psychological problems that has been current in the society or now is current in it, with regard to the literary texts, had been our purpose of this thesis. For this reason, these two works had been studied and phrases like jealousy, oppression, self-conceit, pride and arrogance and so on that has been stated in these books, and has been blamed as “psychological traumas” has been considered and investigated. Saadi tries to propose strategies from the form of narration for improving relations and humanly behaviors. This investigation explains that Saadi had been knowledgeable about these skills and proposed them with affective imagery to the addressees that today, is matched with the presented theories and skills of the contemporary psychologists. Authors of this thesis, aims to compare Saadi's opinions in the anecdotes of the Gulistan and Bustan with the new psychological opinions and. after that find out that, these states are so much adaptable with the psychological aspects of humans and their behaviors.

Keywords: Gulestan, Bustan, Saadi, psychological traumas

^۱ Ph.D Student of Persian language and literature of Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran (abdolah.gholianaskari@gmail.com)

^۲ Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabatabaei University, Karaj, Iran (mastali.parsa@gmail.com)

۱- مقدمه:

در ادبیات فارسی نکات اخلاقی و روانشناسی بسیاری نهفته است که کشف، مقایسه و تطبیق آنها با یافته‌های روانشناسی نوین امری ضروری و رسالتی بالقوه است. شیخ مصلح الدین مشرف الدین سعدی شیرازی، از بزرگترین دانشمندان و ادیبان ایرانی است که در باب آموزش مباحث اخلاقی سخن گفته و از جمله مربیان بزرگ اجتماعی است که آموزش را اساس نیکبختی و سعادت افراد میدانند، و به همین دلیل حکمت عملی را در خلال حکایات و پند و اندرزهای آثار ارز شمند خود، گلستان و بوستان، گنجانیده، و اساس این پژوهش بر آن است.

گلستان و بوستان نمونه برجسته و متمایزی از مجموعه حکایات با محتوای پند و اندرزهای اخلاقی هستند. آشنایی سعدی به فرهنگ و معارف اسلامی نیز رنگ و معنایی خاص به آثار او بخشیده است. وی مانند یک روانشناس به تحلیل رفتار اجتماعی از سان پرداخته و نتیجه بررسی را در این دو اثر به نمایش میگذارد.

سعدی از قالب حکایت برای نشان دادن کاربردی بودن مفاهیم آموزشی استفاده کرده و این بهترین قالبی است که وی میتواند با آن، تفکر، عقاید و آموزشهای خود را به تصویر کشیده و مخاطب را با خود همراه کند. سعدی در تبیین تعالیم اخلاقی خود مهارتهایی را توصیف میکند که در زمان بروز مشکلات و یا در تعریف روانشناسانه «مسأله» میتوان آنها را به کار گرفت، و موقعیت تنش‌زا را به وضعیت مطلوب یا همان «مسأله‌گشایی» بدل کرد. مهارتهایی که سعدی برای مقابله با هیجانات مخرب در آثارش بیان کرده است، زمینه را برای بررسی آسیب‌های روانی بر مبنای نظریات روانشناسی امروز مهیا کرده است.

در این مقاله سعی بر این بوده است که آنچه در قرون گذشته به عنوان معضلاتی در روابط اجتماعی، در قالب متون ادبی - گلستان و بوستان -، بیان شده است، با تحلیلی در قالب آسیب‌شناسی روانی ارائه گردد، تا دریافته شود که این سخنان تا چه اندازه در مورد انسان امروزی و رفتارهایش قابل تطبیق است.

۲- روش کار:

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی - مقایسه‌ای و توصیفی انجام گرفته است و به بررسی و تحلیل حکایت‌های گلستان و بوستان از نگاهی تازه و کاربردی می‌پردازد. تردیدی نیست که بررسی و پرداختن به مسائل اجتماعی که در شعر و نثر فارسی مطرح شده به شیوه تخصصی آن به معنای امروزی نیست؛ بلکه معمولاً طرح این مسائل به سبب مشاهدات عینی بزرگان نظم و نثر بوده که در آثار آنان انعکاس یافته است؛ راه و روش مشخصی که در روانشناسی امروزی برای تجزیه و تحلیل مسائل و نقد و بررسی و

ارائه راهکارها به منظور کاهش آسیبها استفاده میشود، به روش میدانی یا تحقیقات پیمایشی مشهور است؛ در این روش با در نظر گرفتن این موضوع که اگرچه بازتاب مسائل اجتماعی در متون ادب فارسی از اهمیت آن حکایت دارد، اما بررسی آن به دلیل دور بودن از آن تاریخ و جغرافیا با روش میدانی و پیمایشی امکان پذیر نیست، از روش اسنادی و شیوه تحلیلی - توصیفی استفاده شده است.

۳- ضرورت تحقیق:

در ادبیات فارسی به آسیبهای فردی که فراگیر شدن آن آسیبهای اجتماعی بسیار به دنبال دارد، توجه شده است. این مطلب بیانگر این است که این مسائل در زمانهای گوناگون گریبانگیر جامعه بوده و اشخاص در هر زمان گرفتار برخی از آنها بوده اند. هنگامی که از آسیبهای روانی در آثار بسیاری از شاعران ذکری به میان آمده، و در مذمت آن سخن گفته اند، از شایع بودن آن به عنوان یک مسئله اجتماعی حکایت دارد. در ادبیات فارسی جای بررسیهای علمی تقریباً خالی مانده، و یا اگر پژوهشی انجام شده است، رد پای آن در تحقیقات ادبی بسیار کم رنگ بوده، در حالی که هر کدام از این مباحث در کامل کردن دیگری نقش بسزایی دارند؛ لذا ضرورت و اهمیت طرح چنین پژوهشی در گلستان و بوستان سعدی بیش از پیش آشکار میشود.

۴- پیشینه پژوهش:

اگرچه آثار و مقالات زیادی درباره سعدی و آثارش به رشته تحریر در آمده است، اما پژوهش کاملی در این موضوع در گلستان و بوستان سعدی و مطابق اهداف این مقاله ارائه نشده است. برای نمونه به چند مورد از آثاری که به نوعی به موضوع مقاله مربوط است، اشاره میشود:

۱. کتاب «آسیب‌شناسی اجتماعی»، نوشته هدایت‌الله ستوده؛ نویسنده با روشهای علمی به مطالعه انحراف اجتماعی پرداخته و تلاش در مشخص ساختن این مطلب دارد که چه نوع رفتاری به عنوان انحراف اجتماعی تعریف میشود؟ چه کسی آن را تعریف می نماید؟ و چگونه و چرا مردم منحرف میشوند؟
۲. در مقاله «تحلیل روانشناختی دیدگاه مولوی در موضوع نوع دوستی»، نوشته محمد کاویانی و سمیه سادات موسوی، نویسندگان در پی آنند تا در کنار تبیین علمی ابعاد این موضوع، به بررسی نظرات مولوی در این خصوص بپردازند و میزان همخوانی و انطباق نظرات وی با پژوهشهای روز در خصوص نوع دوستی را بسنجند.
۳. جلیل نظری در مقاله «نقد روانشناختی گلستان سعدی» بر آن است که نظرات سعدی را در حکایات گلستان با نظریات روانشناسی جدید مقایسه کرده، و دریابد که

این سخنان تا چه اندازه در مورد انسان و رفتارهای او از منظر روانشناسی امروز قابل تطبیق است.

۴. احمد کتابی در مقاله «آسیب‌شناسی قدرت در اندیشه مولانا» به بررسی یکی از مباحث مرتبط با علم اخلاق یعنی قدرت و آسیب‌های ناشی از آن که با انسان‌شناسی و سیاست ارتباطی تنگاتنگ دارد، پرداخته است.

۵- پرسشهای پژوهش:

در این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسشها هستیم که:

۱. برخورد سعدی با آسیب‌های اجتماعی با تکیه بر نظریات روانشناسی، به چه صورت

(انفعالی، تعلیمی و...) است؟

۲. کنترل آسیب‌های روانی تا چه میزان در آثارش مورد تأکید قرار گرفته است؟

۶- بحث اصلی:

معناشناسی واژه اخلاق اجتماعی و ارتباط آن با روانشناسی:

«اخلاق جمع خلق است و خلق به معنای صفات و کلمات نفسانی که به واسطه آن ملکه، به آسانی از انسان سر میزند، حال چه آن ملکه از رذایل باشد و چه از فضایل، ولی اگر اخلاق به صورت مطلق ذکر شود، خلق نیکو و فضیلت از آن فهمیده میشود» (تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۳: ۶۱۹-۶۱۸).

«اخلاق فردی عبارت است از تهذیب و تزکیه نفس و آراسته شدن به فضائل اخلاقی و دوری از رذائل برای رسیدن به کمالات نفسانی. در مقابل اخلاق اجتماعی عبارت است از آشنایی و عمل به وظایف اجتماعی جهت دستیابی به یک زندگی سعادت‌مند و لذت بخش» (حائری تهرانی، شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت: ۳۱).

به عبارت دیگر اخلاق اجتماعی عبارت است از مسائل اخلاقی که محور آنها روابط اجتماعی انسان با دیگران و موضوع آن ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با دیگران است. منظور از اخلاق فردی، اصولی است که صرف نظر از حیثیت اجتماعی انسان، به بیان ارزش‌های اخلاقی او میپردازد، در حالیکه اخلاق اجتماعی اصول ارزش حاکم بر روابط اجتماعی انسان را بیان میکند.

عده‌ای از متفکران علم اخلاق و روانشناسی ناساگاری را در صورتی ملاکی برای ناهنجاری به شمار آورده‌اند که «دوره‌های طولانی ناراحتی ذهنی وجود داشته باشد، رفتارهای غریب و نامأنوس از فرد سر بزند، و نیز رفتار تکانشی، و ظاهراً مهارنشده در فرد

وجود داشته باشد که مرتب زندگی دیگران را بر هم بزند، یا حق دیگران را پایمال سازد. تمام این رفتارهای توصیف شده ناسازگارانه هستند، چون یا سدّ راه رشد و شکوفایی استعداد شخص می‌شوند و به طور مستقیم بر بهزیستی او تأثیر می‌گذارند، یا به طور غیر مستقیم مؤثر واقع می‌شوند و در درازمدت با بهزیستی دیگران نیز به شدت تداخل می‌نمایند» (روانشناسی نابهنجاری، کاستلو و دیگران: ۴۸).

متخصصان امر تعاریفی برای رفتار غیر عادی ارائه داده‌اند؛ یکی از روش‌های متداول جهت تعریف رفتار غیر عادی و توزیع فراوانی خصوصیات متوسط و معمول است که انحراف از آن، غیر عادی بودن را نشان می‌دهد (تعریف آماری). مثلاً یکی از معیارهای تشخیص رفتار غیر عادی، درجه ناراحتی و اختلالی است که فرد مبتلا به آن احساس می‌کند، فردی که حالت شدید افسردگی، بیقراری، ترس و اضطراب و افکار عجیب و غریب دارد، غیر عادی است. از سوی دیگر، فردی که به نظر دیگران غیر عادی است، ولی خود احساس رنج و ناراحتی نمی‌کند و بدون دشواری زیاد به زندگی عادی ادامه می‌دهد، از جنبه شخصی عادی است (تعریف کلینیکی). میزان مطابقت رفتار فرد با موازین، سنتها و انتظارات جامعه یا مغایرت با آنها و چگونگی قضاوت جامعه درباره او معیار دیگری برای عادی یا غیر عادی بودن افراد است. انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند (تعریف اجتماعی) اما تاکنون بشر نتوانسته است معیار مطلق ارائه دهد تا بر اساس آن رفتار ناسالم به طور قاطع تفکیک شود» (آسیب‌شناسی روانی، شاملو: ۴۸).

یکی از رویکردها به آسیب روانی، دیدگاه پردازش اطلاعات است: «دیدگاه شناختی پردازش اطلاعات بر این باور است که آسیب روانی، از شناخت غیر واقعی و ناسازگارانه فرد ناشی می‌شود، و شناختهای ناسازگارانه عبارتند از: باورهای غیر واقعی، استدلال نادرست، داشتن دید منفی نسبت به خود، صفات ناسازگارانه، تحریف حافظه، توجه ناسازگارانه، راهبردهای دفاع از خود» (روانشناسی شخصیت، پروین، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۵۱).

«برای وجود سلامت روان نیز ویژگی‌هایی قائل شده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: خوشبینی معقول، استقلال، تابعیت متناسب و بهنگام، داشتن انضباط، وقت شناسی، آراستگی ظاهر، هماهنگی با موقعیت، حس کنجکاوی متعادل، رضایت از جنسیت خود، داشتن توانایی رقابت، کنترل عواطف و هیجانات، توانایی ایجاد ارتباط صمیمانه، توانایی تصمیم‌گیری به موقع و احترام به نفس» (نشانه‌شناسی بیماریهای روانی، پورافکاری: ۱۲۴).

اخلاق اجتماعی از دیدگاه سعدی:

از منظر سعدی سازگاری اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز کمال مطلوب جامعه‌ای آرمانی است. « سعدی مدینه فاضله‌ای را ترسیم میکند که این دو از بنیانهای مستحکم شخصیت هر فرد از افراد آن جامعه است. بدین جهت در سراسر آثار خود برای نشان دادن سیمای افراد آن جامعه، از فضایل عالی، فروغ انسانیت و آدمیت که بر آنان حاکم است سخن میگوید و عدالت، تواضع، صلح احسان، انصاف، همدلی و... را به عنوان ویژگیهای افراد این جامعه مطلوب و عوامل پدید آورنده روحیه سازگاری اجتماعی مطرح مینماید و در دلها شوق ساختن چنین جامعه‌ای با این ویژگیها را پدید می‌آورد » (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۷). هانری ماسه درباره او میگوید: « سعدی به جای آن که تفرد خطرناکی را توصیه کند، آدمی را در جمع هموعانش مورد نظر قرار میدهد. اجتماع در چشم او مانند موجودی است که همیشه در حال «شدن» است و به این سبب سعدی نسبت به روزگار خود پیشرفته مینماید» (ماسه، تحقیق درباره سعدی: ۲۰۵).

«سعدی به عنوان یک مصلح اجتماعی که همه جانبه همه مصالح اجتماعی را مطرح کرده، هیچ جهتی را به تنهایی نگرفته و قصدش واقعاً یک تربیت ساده اجتماعی بوده است» (اسلامی ندوشن، چهار سخنگوی وجدان ایرانی: ۱۰۱).

بر این اساس، بسیاری از ادیبان و نقادان سعدی را معلم اخلاق دانسته‌اند «معلم اخلاقی که در اعماق ضمیر شیخ در کنار یک شاعر حساس شورمند سر میکند، منادی اخوت انسانی و مبشر عدالت اجتماعی است و او این هر دو را لازمه درک درست از مفهوم انسانیت میدانند» (زرین کوب، حدیث خوش سعدی: ۱۱۳).

روانشناسی و سعدی:

روانشناسی یکی از شاخه‌های علوم انسانی است، علم مطالعه رفتار انسان است. در تعریف و فایده این دانش گفته‌اند: «روانشناسی شناختن رفتار خود و دیگران، بررسی علل و اسباب رفتار، توجه به شرایط معینی که باعث بروز رفتار خاصی می‌شوند و فهم تأثیر عوامل ارثی و عوامل مربوط به محیط جغرافیایی و اجتماعی و فرهنگی در رفتار افراد است» (شریعتمداری، تربیت از نظر سعدی: ۶).

اگر همین تعریف و فایده آن را در نظر داشته باشیم، باید اذعان کنیم که بدنه اصلی این دانش در آثار سخنورانی که نوشته‌هایشان حاصل تجربه و تأمل آنان بوده دیده میشود، و سعدی شیرازی یکی از این افراد است.

«روانشناسان و دیگر دانشمندان علوم انسانی با پدیده واحدی به نام (انسان) سر و کار دارند. منتهی تفاوت آنها در نقطه نظرشان است» (روانشناسی اجتماعی، ستوده: ۲۹).

از طرف دیگر چون محتوای آثار هنری و ادبی هر هنرمند و ادیبی از خصوصیات درونی و ویژگی‌های روانی او جدا نیست، آثار هر شاعری را می‌توان از منظر روانشناسی بررسی کرد» (زرین کوب، با کاروان حلّه: ۷۶).

غلامحسین یوسفی در کتاب «چشمه روشن، دیداری با شعرا» سعدی را یک روانشناس معرفی کرده و در مورد او گفته است: «سعدی در مقام هنرمندی بزرگ و روانشناس، بسیاری از نکات باریک و اندیشه‌های بلند خود را در لباس حکایات دلپذیر عرضه داشته است و این خصیصه موجب آمده که آراء جدی و استوار او به صورتی مطبوع در نظر خواننده جلوه مینماید و در او اثر میکند» (یوسفی، چشمه روشن: ۲۳۹).

سعدی سیاحی است با تجربه، که با مسافرت در سرزمینهایی با فرهنگها و آداب و رسوم مختلف، به درک عمیقی از رفتار بشریت رسیده است. وی در بسیاری موارد با استادی تمام به تحلیل رفتار آدمیان میپردازد و راه‌های مناسب ارائه میدهد. بینش او در مواجهه با مردمی که دارای سرش‌های متفاوت‌اند، بسیار عمیق و آگاهانه است. دیدگاههای او در مورد شیوه‌های تعلیم و تربیت، جهانبینی او، شیوه برخورد با دشمن، تسلط بر خشم و ظلم... همه نشان‌دهنده این است که بسیاری از گفته‌هایش در زمینه‌های مختلف بر یافته‌های نوین روانشناسی منطبق است.

طرح آسیب‌های روانی در گلستان و بوستان سعدی:

در آثار سعدی، رفتارهایی مورد نکوهش قرار گرفته‌اند، که میتوان آنها را آسیب روانی و یا نشانه‌های آن به شمار آورد؛ ولی باید در نظر داشت که آنچه در این کتاب ذکر گردیده، بیماری یا اختلال به معنای امروزی آن نیست، بلکه رفتارهایی است که از دیدگاه اخلاق اجتماعی و فرهنگی ناپسند است، هر چند که ممکن است در جامعه رواج بسیار داشته باشد. قدرت تخریبی آنها نیز چنان قوی است که باعث آسیب به فرد و دیگران می‌شود. در اینجا تعدادی از این خصوصیات که تأکید بیشتری بر آنها شده است، همراه با برخی معانی استخراج شده از «فرهنگ معین» برای هر یک از واژه‌ها، همچنین تعاریف و مطالب استنباطی روانشناختی و نقشی که ممکن است روانشناسی و روانپزشکی برای آنها قائل باشد، ارائه میگردد. به برخی پژوهشها نیز که در این زمینه، در خارج از ایران انجام گرفته نیز اشاره میشود. لازم به ذکر است که پژوهشی در این زمینه در داخل ایران یافت نشد.

الف) خشم

خشم یکی از هیجانهای پیچیده انسان است. ارائه تعریفی از خشم به طور کامل و جامع بسیار دشوار است؛ زیرا افراد از نظر زمان و علت خشم و نحوه واکنش به آن کاملاً متفاوت هستند. میتوان گفت «عصبانیت و خشم واکنش جنگ یا گریز به وضعیتهایی است که بقا و

حیات ما را تهدید میکند. ترس از به خطر افتادن حیات میتواند فیزیکی یا هیجانی باشد» (رشد و افزایش عزت نفس، مکی: ۱۴).

خشم از پر بسامدترین واژه‌هایی است که سعدی در آثار خود به آن پرداخته است و به شیوه‌های گوناگون، در حکایتهایی متنوع، انسان را به خویشتنداری و مقابله با این آسیب ناپسند دعوت میکند. در این حکایات بسیاری از مهارتهای مقابله با خشم بیان شده است که میتوان با یادگیری و تمرین، آنها را در زندگی روزمره به کار برده و از بسیاری اتفاقات ناخوشایند و بروز موقعیتهای ناپه‌نجار و نامطلوب پیشگیری کرد.

در باب اول بوستان، سعدی داستان مردی را بیان کرده است که به دلیل حسن گفتار مورد توجه و عنایت شاه قرار میگیرد. ملک او را اکرام کرده و نزد خود مینشاند. پس از مدتی بر وزیر برترش داشته و دست وزارت را بدو میسپارد:

ز دریای عـمان بـرامـد کـسی بسی دریا و هامون کرده سفر
عرب دیده و ترک و تاجیک و روم علوم پاکش نفس در جنس هر ز
درآمد بد به ایـوان شـاهنشهی رهی دولت و باد جوان بخت کـه
(سعدی، بوستان، باب اول)

ملک تصمیم میگیرد که مسند وزارت را به او بسپارد. سعدی با بیان ابیات بعدی این نکته مهم و مهارت اساسی را بیان میکند که در هر کاری باید نخست به دقت تأمل کرد، و سپس آن را انجام داد. سعدی قصد دارد به این نکته اشاره کند که ملک دارای مهارتی است که امروزه به اصطلاح روانشناسان «خودآگاهی هیجانی» نامیده میشود؛ ملک نسبت به احساسات و عواطف خود اطلاع کافی دارد. ملک میداند که اگر در حالت شادی تصمیمی بگیرد، ممکن است پس از اندک زمانی از آن تصمیم پشیمان شود؛ چراکه به تأثیر احساسش بر تصمیم‌گیری خود، آگاه است. در حقیقت سعدی در این بخش از حکایت سعی در آموزش توانایی و مهارتی دارد که امروزه روانشناسان آن را «مهارت دوران‌دیشی» مینامند:

بـه عـقلش بـباید نـخست آزـمود بـه قـدر هنر پایگـاهش فـزود
(همان)

در این میان وزیر که اقتدار خود را از دست رفته میبیند و احساس میکند که از سوی ملک که برای او فردی مهم تلقی میشود، مورد تبعیض، تحقیر، بی‌مهری و بی‌توجهی ملک قرار گرفته، نسبت به وزیر جدید دچار هیجان «حسد» شده و به دنبال راهی برای رسیدن به مقام پیشین خود است. وزیر کهن که از وزیر جدید کوچکترین خیانتی ندیده و از علاقه او به دو غلام ملک آگاهی یافته، به سبب دشمنی با وزیر جدید، حسادت و تلاش برای رسیدن به حقوق از دست رفته خود و البته نه از روی خیرخواهی، این خبر را به اطلاع شاه

میرساند.

شند--یدم که--ه با بندگانش سرست پرست ... شهوت و پسندست خیانت
(همان)

وزیر کهن به زشتی خبر را برای شاه بازگو میکند، تا حدی که آتش خشم در ملک
شعله‌ور میشود؛ سپس سعدی در بیت بعد مهارتی را آموزش میدهد که اگر ملک از آن بی
بهره بود، در نتیجه ناتوانی در کنترل خشم، خون بیگناهی را میریخت. ملک از «مهارت
مقابله‌ای» سودمندی بهره‌مند است که امروزه در علم روانشناسی «خودآرام‌سازی» نامیده
میشود. با استفاده از این مهارت است که ملک میتواند به حفظ کنترل درونی خود که
مهارتی دیگر است، دست یابد و در نهایت از بروز وضعیت نابهنجار جلوگیری کند:

غضب دست در خون درویش داشت داشت پیش در دست سکون ولیکن
که--ه پرورده کشتن نه مردی بود بود--ردی داد، پی--ی در س--تم
(همان)

ملک نسبت به هیجان خشم خود آگاه است و چون میداند که تصمیم‌گیری در حالت
خشم به کلی نادرست است و مهارتهای مقابله با خشم را به خوبی آموخته، با استفاده از
مهارت «دوراندیشی» بر رفتار خود مسلط شده و عاقلانه عمل میکند.

ب) حسادت:

در فرهنگ معین، حسادت و حسد این گونه معنی شده است: زوال نعمت کسی را
خواستن، رشک بردن، بدخواستن و یکی از صفات پست انسانی است که از اجتماع بخل و
شره نفس حاصل میشود. در گلستان نیز همین معنی مستفاد میشود:

شوربختان به آرزو خواهند مقبلان را زوال نعمت و جاه
(سعدی، گلستان، باب اول)

بی هنران، هنرمند را نتوانند که ببینند. (سعدی، گلستان، باب هشتم)

با توجه به این معنی، میتوان حسادت را حالتی دانست که به علت احساس کمبود و
ناتوانی و بی‌کفایتی، هنگام مقایسه خود با دیگری، در فرد به وجود آمده و باعث آزار درونی
وی میگردد.

در روانشناسی امروز، «حسادت میتواند یکی از ویژگیهای اختلال شخصیت پارانوئید
باشد» (کاستلو و دیگران، روانشناسی نابهنجاری: ۶۹)؛ (نیکخو و دیگران، راهنمای
تشخیصی و آماری اختلالهای روانی: ۱۴). «ویژگی اصلی اختلال شخصیت پارانوئید، الگوی
عدم اعتماد و سوء ظن فراگیر نسبت به دیگران است، به طوری که انگیزه‌های دیگران از
سوی فرد به عنوان انگیزه‌های بدخواهانه تف‌سیر میشود. در نمونه‌های بالینی، این اختلال

بیشتر در مردان تشخیص داده میشود» (همان).

در گلستان سعدی ویژگی‌های انسان حسود اینگونه بیان شده‌است:

توانم آنکه نیازم انـدرون کسی حسود را چه کنم کو زخود به رنج دَرست

(سعدی، گلستان، باب اول)

بمیر تا برهی ای حسود کین رنجی ست که از مشقت آن جز به مرگ نتوان رست

(همان)

الا تا نـخـواهی بـلا بـر حسود که آن بخت برگشته خود در بلاست

(همان: باب هشتم)

چـه حاجت کـه با او کنی دشمنی که او را چنین دشمنی در قفـاست

(همان)

علتی که احتمالاً باعث پیدایش این ویژگی می‌شود، و وضعیت اقتصادی و وجود طبقات در جامعه است، و البته عوامل دیگر نیز میتوانند احساس کمبود را در افراد به وجود بیاورند. با این حال به نظر میرسد که حالت حسادت غیر مخرب، که در ادبیات فارسی به آن «غبطه» اطلاق میشود، برای ایجاد انگیزه پیشرفت تا حدی لازم باشد.

ج) ظلم:

مفهوم ظلم را واژه‌های مختلفی مانند: ستم، جور، بیداد، آزار رسانی، بی‌انصافی، بی‌عدالتی، و غیره در بر دارند. ظلم مجموعه‌ی وسیعی از رفتارهای کلامی و غیرکلامی، خصمانه و منفعت‌طلبانه است که از روی عمد باعث آسیب رساندن مالی، جانی و روانی به فرد یا افراد دیگر میشود، و معمولاً بر افراد ضعیف‌تر اعمال میگردد. «بسیاری از رفتارهای ظالمانه، پرخاشگرانه نیز هستند. پرخاشگری از انگیزه‌های اجتماعی به شمار میرود که گاهی آن را به دو نوع وسیله‌ای و خصمانه تقسیم میکنند. معمولاً ظلم همراه با پرخاشگری خصمانه است. «پرخاشگری خصمانه، هر نوع رفتاری است که هدف آن اذیت کردن یا آسیب رساندن به موجود زنده‌ی دیگری است که برانگیخته شده‌است تا از این رفتار پرهیز کند» (بناب، روانشناسی انگیزشی و هیجان: ۱۲۶).

ظلم گاهی بدون پرخاشگری صورت میگیرد، مانند هنگامی که فردی بدون منافع شخصی و بی‌آنکه هدف دشمنی نسبت به فرد مورد نظر داشته باشد، باعث آسیب رساندن به وی میشود، که معمولاً این رفتار را بی‌عدالتی مینامند. در گلستان، اعتقاد بر این است که نخست فراوانی ظلم کم بوده، و به مرور انسانها میزان آن را افزایش داده‌اند:

«بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است، هر که آمد برو مزیدی کرده تا بدین غایت

رسیده» (سعدی، گلستان، باب دوم)

از عوامل مؤثر بر افزایش ظلم، انجام آن توسط افراد مقتدر یا موفق جامعه است، که با مشاهده این رفتار، دیگران می‌آموزند، و حتی پیش از آنچه دیده‌اند، عمل میکنند:

اگ - ر ز ب - باغ رعیت ملک خورد سیبی برآورند غلامان او درخت از بیخ
(سعدی، گلستان، باب اول)

به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد زنند لشکر یانش هزار مرغ به سیخ
(همان)

برای کاستن از این گونه رفتارها، سعدی به هشدار دادن به منزله نوعی تنبیه کلامی، متوسل میشود.

زورمندی مکن بر اهل زمین ت - ل د - لایی ب - ر آس - مان نرود
(همان)

حذر کن ز درد درونهای ریش که ریش درون عاقبت سر کند
(همان)

سعدی در حکایت‌های گلستان و بوستان، افراد جامعه را به ترس از ستم به ضعیفان و زبردستان فرا میخواند و مهارت دوراندیشی را به آنها می‌آموزد و آن را بهتر از هر دعای خیری میداند که میتواند بلایی را - که همان وضعیت نامطلوب است - برطرف ساخته یا از بروز آن جلوگیری کند. وی بهترین مهارت برای جلوگیری از ستم به ضعیفان را در همدلی و همدردی با آنها معرفی می‌کند. درحقیقت انسان با استفاده از مهارت همدلی خود را با دیگر افراد جامعه هم‌هویت میسازد؛ در نظر سعدی، ترس از خدا و ستم نکردن به ضعیفان تا به حدی است که حتی ذره‌ای ستم را مورد مذمت قرار میدهد. وی پیشگیری از ستم را، هرچند اندک و ناچیز، بهترین راه برای جلوگیری از ایجاد وضعیت نامطلوب میداند و با مثال زدن به پادشاهی عادل، زیبایی این نوع ترس را به تصویر می‌کشد تا بر تأثیر سخن خود بیفزاید.

د) خودبینی و تکبر

از منظر سعدی تواضع و فروتنی، کمال‌والای آدمی و عامل سازگاری اجتماعی و زندگی مسالمت‌آمیز است. وی باب چهارم بوستان را به تواضع اختصاص داده و درباره اهمیت تواضع و آثار بد تکبر و خود بزرگ‌بینی حکایتها و سخنان شیرین را بیان میکند. سعدی خلقت نخستین انسان را یادآوری نموده و نتیجه میگیرد که با وجود چنین خلقتی دیگر جایی برای غرور و تکبر وجود ندارد:

ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
(سعدی، بوستان : باب چهارم)

نه در ابتدا بودی آب منی اگر مردی، از سر بدر کن منی
(همان، باب هشتم)

سعدی تواضع در مقابل دیگران را باعث سربلندی انسان و غرور و تکبر را مایهٔ محرومیت و هلاکت او می‌داند:

تواضع سر رفعت افرازدت تکبر بس خاک اندر اندازدت
(همان، باب چهارم)

در فرهنگ معین، «خودبینی به معنی غرور و تکبر آمده است. غرور: فریب دادن و به خود بالیدن، و تکبر: خود را بزرگ پنداشتن، معنی شده است» (فرهنگ معین: ذیل خودبینی)

تکبر و خود بزرگ‌بینی مانع از آن میشود که انسان خویشتن را آنچنان که هست ملاحظه و ارزیابی کند. به بیان دیگر، بیماری خود بزرگ‌بینی مانع از شناخت «خود» است و خودبین از شناخت خدا نیز محروم است (آزادی، تعلیم و تربیت از نگاه سعدی: ۵۸).

بزرگان نکردند در خود نگاه خدا بینی از خویشتن بین مخواه
ز مغرور دنیا ره دین مجوی بین مجوی خدا بینی از خویشتن
(سعدی، بوستان، باب چهارم)

فردی که دچار خودبینی است، به خواسته‌ها، عواطف و علایق دیگران بی‌توجه است و به خواسته‌های خود توجه افراطی دارد:

نپینند مدعی جز خویشتن را که دارد پرده پندار در پیش
(سعدی، گلستان، باب دوم)

۵. طمع:

طمع به معنی حریص شدن، آزمند گردیدن است (فرهنگ معین).

یکی از نظراتی که در مورد این ویژگی ارائه شده است، آن را یک اختلال شخصیتی موقت میداند که بر اساس نظریات روانکاوی، احتمال دارد با تداوم ناخشنودیها در زندگی نسبت داشته باشد. نادیده گرفتن لزوم درمان این اختلال باعث می‌گردد با پروراندن بیعدالتی و نابرابریهای اساسی، بر تمام جامعه تأثیر منفی گذاشته شود. معیارهای همراه با این اختلال شامل عدم احساس وجود مرزها، احساس برتری بی‌مورد، جداسازی هیجانی و بی‌توجهی نسبت به نیازهای دیگران است.

طمع، میل افراطی و پایان ناپذیر است برای به دست آوردن آنچه که فرد معمولاً به خاطرش متحمل زحمتی نشده و به طور طبیعی هم نیاز اساسی به آن ندارد:

دیدهٔ اهل طمع به نعمت دنیا پر نشود همچنان که چاه به شب‌نم
(سعدی، گلستان، باب هفتم)

این تمایل، به قدریست که هوشمندی را مختل میسازد:

بدوزد شره دیده هوشمند در آرد طمع مرغ و ماهی به بند
(سعدی، گلستان، باب سوم)

حرص و طمع، میل زیاد و بی‌پایان است و این صفت ترس از بخشش و از دست دادن، از ترس از به دست نیاوردن خواستنیها ناشی میشود. سعدی به هر شیوه‌ای در مذمت بخل سخن میگوید و با بیان حکایت‌های گوناگون سعی دارد که زشتی ترس از بخشش را به مخاطب بیاموزد؛ بنابراین در حکایتی از باب دوم بوستان، این نوع ترس را به تصویر میکشد. ترس از خرج کردن و از دست دادن مال و دارایی که همان بخل، طمع و حرص را در پی دارد. سعدی این نوع از ترس را اینگونه بیان کرده است:

یکی زهره خرج کردن نداشت زرش بود و یارای خوردن نداشت
نه خوردی که خاطر بر آسایدش نه دادی که فردا به کار آیدش
(سعدی، بوستان، باب دوم)

پسر به عنوان مقابله‌کننده‌ای که از طمع پدر اطلاع یافته، سعی میکند به شیوه‌ای رندانه پدر را نسبت به زشتی بخل و ترس از دست دادن مال آگاه کند، پس زر را برداشته، به اندک مدتی خرج میکند. پدر که از خودآگاهی هیجانی نسبت به بخل و ترس خود بی‌بهره است و ترس از دست دادن مال وجودش را فرا گرفته، هنگامیکه از این اتفاق آگاه می‌شود، همه شب زار و گریان نمیخوابد و پسر بامدادان به خنده به او میگوید:

زر از بهر خوردن بود ای پدر ز بهر نهادن چه سنگ و چه زر
بخیل توانگر به دینار و سیم طلسمی است بالای گنجی مقیم
پس از بردن و گرد کردن چو مور بخور پیش از آن کت خورد کرم گور
(همان)

(و) سیه دلی:

سیه دل: تیره دل، قسی، بدگمان، ظنین (فرهنگ معین). با توجه به آنچه در فرهنگ معین آورده شده، این ویژگی به چند حالت اطلاق میشود: اگر به معنای قساوت و بیرحمی باشد عبارت است از: عدم ارتباط عاطفی با دیگران، و بی‌توجهی به مصالح و منافع افراد دیگر. به شکل مرضی، در اختلال شخصیت ضد اجتماعی ظاهر میشود. ویژگی اصلی اختلال شخصیت ضد اجتماعی، یک الگوی فراگیر از بی‌اعتنایی و تجاوز به حقوق دیگران است که از کودکی یا اوایل نوجوانی آغاز شده و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد (راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، نیکخو و همکاران: ۹۴) قساوت، بیشتر در ارتباط با جنگ و شکنجه‌هایی است که در طی آن اعمال میشود و همچنین تبعیدهای سیاسی. اگر سیه دلی به معنی بدگمانی و سوءظن تعبیر شود، ویژگی اصلی اختلال شخصیت

پارانویید است. البته بدگمانی خفیف و غیر مرضی، ممکن است بر اثر تجارب شخصی در طول زندگی، بر فرد عارض گردد.

آنچه که از این واژه در کتاب گلستان مستفاد میشود، نوعی مقاومت مزمن در برابر گفته‌ها و خواسته‌های دیگران است:

آهنی را که موریانه خورد نتوان برد از و به صایقل زنگ
با سیه دل چه سود گفتن وعظ نرود میخ آهنین در سنگ
(سعدی، گلستان، باب دوم)

که این مشخصه را میتوان در بسیاری از اختلالات و حتی شخصیت‌های غیر مرضی مشاهده نمود. یکدنگی، لجاجت، خیره سری، به خصوص در شکل منفی آن، از جمله واژه‌هایی است که تعبیر فوق را در بر میگیرد.

ز) تظاهر و ریا:

در «فرهنگ معین» تظاهر و ریا به معنی خودنمایی کردن، چیزی را ظاهراً به خود بستن، خود را به داشتن صفتی وانمود کردن و عوامفریبی آمده است. به معنای خودنمایی کردن و به شکل خفیف و طبیعی میتوان به عنوان «انگیزه اجتماعی خودنمایی» تعبیر کرد. این ویژگی در شکل شدید و مرضی از ویژگیهای «اختلال شخصیت نمایشی» است؛ ویژگی اصلی اختلال شخصیت نمایشی رفتار توجه‌طلبانه و هیجان‌پذیری مفرط و فراگیر است.

به نظر میرسد که در گلستان سعدی، تظاهر به این معانی تعبیر شده باشد:

ای هنرها گرفته بر کف دست عیب‌ها برگرفته زیر بغل
تا چه خواهی خریدن ای مغرور روز درماندگی به سیم دغل
(سعدی، گلستان، باب دوم)

که میتوان تفسیر آن را بدین گونه بیان نمود: ظاهر ساختن و نمایاندن صفات مثبت اخلاقی و شخصیتی و اقتصادی و اجتماعی و تواناییهایی که در اختیار فرد نیست، با هدف فریب دادن دیگران و جلب منافع خود و رسیدن به هدف مورد نظر.

یکی دیگر از موارد تظاهر و ریا که در گلستان بدان اشاره شده است، استفاده از ارزشهای دینی به منظور فریبکاری است:

پارسیان روی در مخلوق پشت بر قبله میکنند نماز
(همان)

ای درونت برهنه از تقوا کز برون جامه ریا داری
پرده هفت رنگ در مگذار تو که در خانه بوریا داری
(همان)

۷- نتیجه‌گیری:

دیدگاه‌های سعدی در گلستان و بوستان در مورد فضائل و رذائل اخلاقی تا حدودی با یافته‌های روانشناسان و علمای علم اخلاق منطبق است. به نظر میرسد که آگاهی سعدی از خصایص روح آدمی، حالات، اعمال، رفتار و افکارش از او یک روانشناس تجربی ساخته که دیدگاه‌هایش به طور ملموس در حکایتها قابل درک و استنباط است. مطالب ذکر شده در گلستان و بوستان مفاهیم نظری آسیب اخلاقی و اجتماعی است، البته سعدی در اغلب حکایات راه حلی را نیز جلوی پای مخاطب میگذارد یا حداقل او را متنبه میسازد و داستان نتیجه‌گیری اخلاقی دارد. تمامی رفتارهای ذکر شده در این مقاله، در جامعه مدرن امروز نیز بسیار رایج است؛ در حالیکه این ویژگیها از دیدگاه دین ما نیز مورد نکوهش قرار گرفته اند. البته باید در نظر داشت که در یک فرهنگ استنباطهای متفاوتی از یک واژه وجود دارد، به همین علت لازم است که به معناشناسی روانشناختی واژگان نیز توجه شود. نیکوتر آن است که پژوهشهای میدانی بیشتری برای تطبیق و بررسی علل و عوامل شیوع آسیبهای رفتاری از گذشته تا کنون، و روشهای جلوگیری از این رفتارها و نتایج آسیب‌رسان این ویژگیها در زمان حاضر با توجه به مفاهیم روانشناختی مناسب واژگان صورت بگیرد.

۸- فهرست منابع:

۱. آسیب‌شناسی روانی، شاملو، سعید، رشد (۱۳۷۵)، تهران
۲. با کاروان حله، زرین کوب، عبدالحسین، انتشارات علمی، (۱۳۶۲)، تهران
۳. بحارالانوار/ ج ۴۶، مجلسی، محمدباقر، فراهانی، چ هفتم (۱۳۸۵)، قم
۴. بوستان، مصلح الدین سعدی شیرازی، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، خوارزمی (۱۳۶۸)، تهران
۵. تحقیق درباره سعدی، ماسه، هانری، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمدحسین مهدوی اردبیلی، توس، چ دوم (۱۳۶۹)، تهران
۶. تربیت از نظر سعدی (ذکر جمیل سعدی) / ج ۲، شریعتمداری، علی، انتشارات کمیسیون یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، (۱۳۶۴)، تهران
۷. تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، آزادی، محمدکریم، رهگشا، چ اول (۱۳۷۳)، تهران
۸. تفسیر المیزان، طباطبائی، علامه محمدحسین، انتشارات اسلامی، (۱۳۷۶)، قم
۹. چشمه روشن (دیدار با شاعران)، یوسفی، غلامحسین، انتشارات علمی (۱۳۷۳)، تهران
۱۰. چکیده روانپزشکی بالینی، کاپلام، هارولد؛ بنیامین سادوک، ترجمه نصرت‌الله

- پورافکاری، آزاده، چ سوم (۱۳۷۲)، تهران
۱۱. چهار سخنگوی وجدان ایرانی، اسلامی ندوشن، محمدعلی، قطره، (۱۳۸۱)، تهران
۱۲. حدیث خوش سعدی (درباره زندگی و اندیشه سعدی)، زرین کوب، عبدالحسین، سخن (۱۳۷۹)، تهران
۱۳. راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، انجمن روانپزشکی آمریکا، (DSMI)، ترجمه محمد رضا نیکخو و همکاران، سخن، (۱۳۷۴)، تهران
۱۴. رشد و افزایش عزت نفس، مکی، متیو، ترجمه مهرناز شهرآرای، آسیم، (۱۳۹۷)، تهران
۱۵. روان‌شناسی اجتماعی، ستوده، هدایت الله، انتشارات دانشگاه پیام نور (۱۳۷۴)، تهران
۱۶. روانشناسی انگیزش و هیجان، محی‌الدین بناب، مهدی، دانا، چ دوم (۱۳۷۵)، تهران
۱۷. روانشناسی شخصیت، پروین، لارنس. ای، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ سوم (۱۳۷۴)، تهران
۱۸. روان‌شناسی نابهنجاری، کاستلو، تیموتی و جوزف، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، آزاده، چ سوم (۱۳۷۲)، تهران
۱۹. شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، حائری تهرانی، مهدی، بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، (۱۳۷۸)، تهران
۲۰. فرهنگ معین، معین، محمد، امیرکبیر، چ ششم، (۱۳۶۳)، تهران
۲۱. گفتار در تداوم فرهنگ ایرانی، طباطبائی، جواد، ستوده (۱۳۸۵)، تهران
۲۲. گلستان سعدی، مصلح‌الدین سعدی شیرازی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، خوارزمی، چ پنجم (۱۳۷۷)، تهران
۲۳. نشانه‌شناسی بیماری‌های روانی، پورافکاری، نصرت‌الله، آزاده، چ هفتم (۱۳۷۸)، تهران
۲۴. نظریه‌های یادگیری، هرگنهان، بی. آر و متیو. اچ، اولسون، ترجمه علی‌اکبر سیف، دوران، چ سوم (۱۳۷۶)، تهران